

تشکیل قراردادهای از طریق نمایندگی سامانه هوشمند

عبدالحسین شیروی

استاد دانشکده حقوق پردیس قم دانشگاه تهران

مرتضی محمدی

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی پردیس قم دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۸۷/۰۲/۱۰

تاریخ تأیید: ۸۷/۰۵/۰۱

چکیده

تجارت الکترونیکی به سرعت در حال توسعه است. در این میان، تشکیل قراردادهای الکترونیکی توسط سیستم اتوماتیک و خودمختار توجه بسیاری از نویسندگان حقوقی و تنظیم کنندگان کنوانسیون‌های بین‌المللی را به خود جلب کرده است. این سیستم قادر است بدون دخالت و مشارکت شخص انسانی و صرفاً بر اساس دانش و هوش تعبیه شده در درون خود نسبت به ایجاب و قبول و تعیین شرایط قرارداد اقدام کند. سؤال اساسی که از جهت حقوقی مطرح می‌شود این است که، آیا بر اساس مبانی حقوقی، قراردادهای منعقد شده توسط چنین سیستمی صحیح تلقی می‌شود. در سیستم‌های حقوقی دنیا نسبت به توجیه انعقاد قرارداد توسط سیستم هوشمند، نظرات و راه‌حل‌های متعددی مطرح شده است که در این مقاله به اختصار بیان می‌شود. سپس صحت تشکیل قراردادهای الکترونیکی به نحو خودمختار از منظر حقوق ایران و بر اساس قانون تجارت الکترونیکی سال ۱۳۸۲ و مبانی فقهی آن مورد بحث قرار می‌گیرد. نهایتاً، صحت و الزام‌آور بودن چنین قراردادهایی از دیدگاه حقوق و مبانی فقهی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: قرارداد الکترونیکی، نمایندگی هوشمند، تشکیل قرارداد، شخصیت حقوقی، قانون تجارت الکترونیکی

مقدمه

انجام اعمال حقوقی توسط نماینده یکی از موضوعات شناخته شده در نظام‌های حقوقی گوناگون است. در پاره‌ای از موارد، انسان برای رفع احتیاجات خود به نهاد نمایندگی نیاز داشته تا از این طریق برخی از وظایف خود را که نمی‌توانسته و یا تمایل نداشته که شخصاً انجام دهد، به دیگران محول نماید تا از طرف وی، این وظایف را انجام دهند. این امر موجب صرفه‌جویی در وقت و هزینه می‌گردد و به فرد امکان می‌دهد که در زمان واحدی به فعالیت‌های گوناگون پرداخته و قراردادهای گوناگونی را از طریق افراد دیگری منعقد نماید.

نمایندگی در انعقاد قراردادها به رابطه حقوقی تعبیر شده است که به موجب آن نماینده می‌تواند به نام و به حساب اصیل در انعقاد قراردادی شرکت کند که آثار آن به طور مستقیم دام‌گیر اصیل می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۵۴). در قراردادهایی که از طریق نمایندگی منعقد می‌شود، قصد

انشاء و اعلام اراده توسط نماینده ابراز می‌شود. بنابراین قصد و اراده نماینده جزء ارکان عقد می‌باشد؛ و بدین جهت نماینده باید اهلیت لازم را برای قصد انشاء داشته باشد.

نهاد نمایندگی غیر از واسطه‌ای است که فقط وسیله رساندن و ابلاغ اراده یک طرف معامله به طرف دیگر است (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۵۵-۵۴). مثل اینکه فرزند خردسالی پیام پدر خود را به مغازه‌دار سر کوچه اطلاع و ابلاغ می‌کند، در حالی که در نمایندگی اهلیت اصیل و نماینده هر دو شرط است (قائم مقامی، ۱۳۷۸: ۱۴۲). در واسطه، فقط اصیل باید اهلیت داشته باشد و واسطه حتی می‌تواند یک حیوان باشد که پیام را می‌رساند.

در دنیای مجازی نیز، گاهی محول نمودن برخی از وظایف به نمایندگی الکترونیکی لازم و مورد نیاز است. «نماینده الکترونیکی»^۱ برنامه‌های رایانه‌ای هستند که به صورت مستقل نسبت به تغییرات موجود در اطراف خود عکس‌العمل نشان می‌دهند و مسایل خود را تا حد ممکن به صورت مستقل پاسخ می‌دهند. این برنامه‌های رایانه‌ای به نحوی طراحی شده که نه تنها بر اساس ساختار اولیه‌اش، بلکه با تجربه‌ای که بدست می‌آورد، می‌تواند ساختار جدیدی را در رفتارش تدبیر و طراحی نماید که بدان «نمایندگی هوشمند»^۲ گویند (Ruth, 2004: 120). نمایندگی هوشمند به یک سامانه رایانه‌ای نرم افزاری یا سخت افزاری اطلاق می‌شود که دارای استقلال بوده به نحوی که قادر باشد بدون دخالت انسان اعمال حقوقی انجام دهد، با انسان‌ها و سایر عوامل ارتباط ایجاد کند، محیط اطراف خود را درک کرده و نسبت به آن‌ها واکنش نشان دهد و نهایتاً توانایی داشته باشد که رفتار هدف محور از خود به نمایش گذاشته و ابتکار نشان دهد (Kierkegaard, 2007: parg.41). بنابراین نماینده هوشمند بدون دخالت انسانی و سایر عوامل به طور مستقل و خودکار عمل کرده و این امکان را فراهم می‌سازد که از طریق رایانه و در محیط مجازی قرارداد منعقد نمود (خالد، ۲۰۰۶: ۱۵۷).

پرسش اصلی که این مقاله در پی پاسخ آن است، وضع حقوقی قراردادهای منعقد شده توسط نمایندگی هوشمند و اعتبار و لزوم این قراردادها می‌باشد که بدون مداخله انسان منعقد می‌شوند. پرسش دومی که در این متن بدان پرداخته می‌شود، این است که اگر این نوع قراردادها صحیح باشند، اصیل در این قراردادها کیست و چه کسانی را می‌توان به این قراردادها متعهد دانست؟

برای پاسخ به این سؤالات در گفتار اول، اشکال مختلف تشکیل قرارداد توسط سامانه الکترونیکی بیان می‌شود؛ سپس شناسایی نمایندگی هوشمند در اسناد بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در گفتار سوم، ماهیت نمایندگی هوشمند و در گفتار چهارم، صلاحیت اعطای شخصیت حقوقی به سامانه رایانه‌ای مورد بحث قرار می‌گیرد. در گفتار پنجم، نمایندگی هوشمند از منظر حقوق ایران و اسلام مورد بررسی قرار می‌گیرد.

گفتار اول: اشکال مختلف تشکیل قرارداد توسط سامانه الکترونیکی

متناسب با درجه بکارگیری سامانه رایانه‌ای در انعقاد قرارداد و میزان دخالت عنصر بشری در آن، قراردادهایی که از طریق رایانه و در محیط مجازی منعقد می‌شود، به سه دسته تقسیم می‌شوند:

دسته اول: یک شخص طبیعی به عنوان اصیل و یا به نمایندگی از یک شخصیت حقوقی با استفاده از یک برنامه رایانه‌ای اقدام به تجارت الکترونیکی می‌کند که در این صورت، رایانه صرفاً به عنوان یک ابزار در خدمت طرفین است که مبادرت به انعقاد قرارداد می‌کنند.

دسته دوم: طراح یک برنامه رایانه‌ای با تهیه یک برنامه مشخص این امکان را فراهم می‌سازد که معاملاتی با شرایط معین و از پیش تعیین شده منعقد گردد. در این روش، سامانه رایانه‌ای در مقابل دریافت اطلاعات مشخص واکنش خاصی را که توسط طراح یا کنترل کننده از پیش تعیین شده، از خود نشان می‌دهد. در این موارد، هر چند سیستم به صورت خودکار مطابق برنامه‌های از پیش تعیین شده کار می‌کند، اما صرفاً انتقال دهنده اراده کنترل کننده آن است و در اتخاذ تصمیم نقشی ندارد.

دسته سوم: طبق یک برنامه رایانه‌ای سیستم قادر است نه تنها به طور خودکار بلکه به طور مستقل و خود مختار اقدام به انجام تراکنش‌هایی نماید و ایجاب و قبول یک قرارداد را بدون دخالت یک شخص حقیقی با موفقیت انجام دهد. هوشمندی سیستم متکی به طراحی آن و داده‌هایی است که از تجربه‌های خود سیستم نشأت می‌گیرد که در برخی از نوشته‌ها بدان نمایندگی هوشمند و یا «نمایندگی نرم افزاری»^۱ نیز می‌گویند (Giusella Finocchiaro, 2003: 20-24).

در دو دسته اول، سیستم رایانه‌ای صرفاً یک وسیله پیام‌رسان و واسطه در ابلاغ اراده و تراضی طرف معامله است و عنوان نمایندگی بر او صدق نمی‌کند تا شرایطی از جمله اهلیت برای آن لازم باشد. محل مورد بحث دسته اخیر است که سیستم هوشمند رایانه‌ای رأساً و بدون حضور عنصر بشری تصمیم گرفته و به انشاء ایجاب و قبول مبادرت می‌کند. در خصوص این دسته از قراردادها، این سؤال مطرح می‌شود که آیا از جهت مبانی حقوقی و قواعد فقهی این سیستم هوشمند می‌تواند قرارداد منعقد کند و برای این کار اهلیت قانونی لازم را دارد. به عبارت دیگر آیا یک برنامه رایانه‌ای هوشمند می‌تواند به عنوان نماینده یک فرد اصیل به انعقاد قرارداد مبادرت ورزد؟ (Weitzenboeck, 2001: 206 & 210).

گفتار دوم: شناسایی نمایندگی هوشمند در اسناد بین‌المللی

با اینکه در مقدمه «دستورالعمل تجارت الکترونیک اروپا در سال ۲۰۰۰»^۱ هدف از این مقررات را تسهیل امور اقتصادی و تجاری و حذف موانع حقوقی در مورد خدمات تجاری الکترونیکی آنلاین ذکر شده است، در این مقررات، نمایندگی هوشمند به صراحت به رسمیت شناخته نشده است و این امر می‌تواند ناشی از اختلافات و ابهاماتی باشد که در مورد ماهیت نمایندگی هوشمند وجود دارد. شایان ذکر است که در نسخه‌های اولیه مقررات اتحادیه اروپا دولت‌های عضو، موظف شده بودند که از ایجاد هر گونه مانعی در استفاده از سیستم نمایندگی الکترونیکی خوداری کنند اما در نسخه نهایی چه در متن اصلی و چه در حاشیه حتی این اشاره مختصر نیز حذف شده است.

همچنین در دو قانون نمونه آنسیترال که در سال‌های ۱۹۹۶ و ۲۰۰۱ به تصویب رسیده نیز چیزی در مورد نمایندگی هوشمند مطرح نشده است. با این حال در گزارشات آنسیترال آمده است که دلیل عدم ذکر قراردادهای منعقدۀ توسط سیستم خودکار در قانون نمونه آنسیترال به این علت بوده است که احساس نمی‌شد انعقاد قرارداد از طریق داده‌پیام خودکار مشکلی داشته باشد.

با توجه به طرح نمایندگی هوشمند در برخی از سیستم‌های حقوقی و قانونگذاری در این زمینه، در زمان تهیه «کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد استفاده از ارتباطات الکترونیکی در قراردادهای بین‌المللی» این ضرورت احساس شد که گنجاندن مقرراتی در مورد این نوع قراردادها اگر چه خیلی کلی است ولی می‌تواند مفید باشد. از این رو در کنوانسیون بدون ذکر جزئیات، صرفاً این امر مورد تأکید قرار گرفت که استفاده از سیستم نمایندگی خودکار و عدم دخالت شخص انسانی در انعقاد قرارداد، مانعی در تشکیل قرارداد محسوب نمی‌شود. بر این اساس ماده ۱۲ مقرر می‌دارد: «اعتبار یا قابلیت اجرای قرارداد منعقدۀ از طریق ارتباط بین یک سیستم خودکار و یک انسان یا از طریق تراکنش‌های سیستم‌های پیام خودکار را نمی‌توان صرفاً به این دلیل که هیچ انسانی آن را بررسی و یا در آن مداخله نداشته و اعمال مزبور یا قرارداد حاصله در نتیجه تراکنش‌های سیستم‌های پیام خودکار واقع شده رد نمود» (Kierkegaard, 2007: 44).

قبل از تصویب کنوانسیون، دبیر کنوانسیون گزارش داد که در حال حاضر انتساب اعمال حقوقی در یک سامانه رایانه‌ای خودکار به یک شخص حقیقی و یا حقوقی بر این مبنا شکل گرفته است که سیستم داده‌پیام خودکار تنها بر اساس یک ساختار تکنیکی از قبل طراحی شده عمل می‌کند. اما در نسل آینده سیستم‌های اطلاعاتی خودکار این امکان وجود خواهد داشت که از طریق توسعه

هوش مصنوعی به وضعیتی نائل شد که یک سیستم هوشمند بتواند به وسیله تجربه حاصله، ساختار خود را اصلاح کند و یا ساختار جدیدی را پدید آورد به نحوی که نه صرفاً به صورت «اتوماتیکی»^۱، بلکه به صورت «مستقل»^۲ عمل کند.

گزارش مزبور تأکید می‌کند، اصطلاح «نماینده الکترونیکی» که بعد از قانون نمونه تا به حال استعمال می‌شود صرفاً برای سهولت در کار بوده است، اما از جهت تحلیلی بین نمایندگی سامانه خودکار (مستقل) با نمایندگی که در کنوانسیون فروش کالا عنوان شده، هیچ سنخیتی وجود ندارد و قواعد عمومی در خصوص نمایندگی در ارتباط با این سیستم‌ها قابل اعمال نیست.

بر همین اساس، آنسترال به عنوان یک قاعده متذکر می‌شود که آن شخص طبیعی و یا حقوقی که سیستم هوشمند مزبور را برنامه‌ریزی و راه اندازی می‌کند باید تمام مسئولیت‌هایی را که داده‌پیام از طریق آن سیستم تولید می‌کند متقبل گردد. به بیان دیگر ماده ۱۲ کنوانسیون یک مقرر تسهیل‌گر است و نباید چنین تفسیر شود که یک سامانه رایانه‌ای هوشمند قابلیت دارا شدن حقوق و تقبل مسئولیت را داشته باشد (Explanatory Note, 2007: 70). هدف این ماده این است که به صراحت اعلام نماید که برای صحت قرارداد ضرورتی ندارد که انسان تمام اعمالی که سیستم انجام می‌دهد و یا نتایج آن را مرور و مورد تأیید قرار دهد.

گفتار سوم: ماهیت نمایندگی هوشمند

همانطور که در بالا بدان اشاره گردید برای اعتبار و لزوم قرارداد، طرفین باید از لحاظ حقوقی اهلیت قراردادی داشته باشند. قصد و رضای طرفین عنصر اساسی برای اعتبار قرارداد است و قرارداد از آن جهت الزام‌آور است که طرفین آن را قصد کرده و به مفاد آن رضایت دارند. بر این اساس تنها اشخاصی که از منظر حقوقی صلاحیت ایجاد قرارداد را دارند می‌توانند قرارداد منعقد کنند که شامل اشخاص طبیعی و حقوقی است.

استفاده از نمایندگی هوشمند در فرآیند تشکیل قراردادها مسائل حقوقی قابل تأملی را بوجود می‌آورد. از آنجایی که نمایندگی هوشمند یک جایگاه تثبیت شده قانونی و یا قضایی ندارد، این پرسش مطرح می‌شود که چگونه نمایندگی هوشمند می‌تواند شخصی را از جهت قراردادی متعهد کند. برای پاسخ به این پرسش لازم است عملکرد نمایندگی هوشمند تحلیل شده و ماهیت آن بررسی شود. سه راه حل در این خصوص مطرح شده است که در اینجا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

1. automatically
2. autonomously

۱- اعتبار شخصیت حقوقی برای سامانه هوشمند

برخی از حقوق دانان برای سامانه هوشمند شخصیت حقوقی قائل هستند و به تبع آن اعتقاد دارند که سامانه هوشمند دارای اهلیت حقوقی برای انعقاد قرارداد می باشد. مطابق این نظریه هر سامانه نرم افزاری خودکار اهلیت لازم برای انعقاد قرارداد را به عنوان یک شخصیت حقوقی دارا بوده و برای انعقاد قرارداد صالح می باشد (Weitzenboeck, 2001: 211). این دسته از حقوق دانان برای توجیه نظر خود دلایلی را عنوان کرده اند که در ذیل به برخی از مهمترین آن ها اشاره می شود:

اولین دلیل این است که شناسایی شخصیت حقوقی بر پایه نیازها و واقعیات اجتماعی بوده است و ضرورتی ندارد که از جهت اهلیت و تصمیم گیری با شخص حقوقی همانند یک شخص حقیقی برخورد شود. گروهی از اشخاص که هدف خاصی را دنبال می کنند می توانند انجمنی را تشکیل دهند که شخصیت آن تماماً از تک تک افراد منفک باشد. از قرن نوزدهم به بعد نظریه پردازان این ایده را به یک مفهوم زیست شناختی از موجودات (ارگانیسم) ربط دادند و متذکر شدند که مجموعه ای از افراد، می تواند در قالب یک سازمان اجتماعی با یک اراده جمعی مجزا شکل گرفته و توسعه پیدا کنند. برای اعطای این شخصیت کافی است که جامعه آن را پذیرا باشد. بر اساس همین پذیرش اجتماعی، سامانه هوشمند رایانه ای صلاحیت اجتماعی و حقوقی لازم برای فعالیت خودمختار خود را کسب کرده و می تواند به طور مستقل به انعقاد قرارداد مبادرت ورزد. پذیرش اجتماعی سامانه هوشمند مستلزم پذیرش شخصیت حقوقی آن توسط قانون می باشد (Ibid. 214).

در همین رابطه، برخی دیگر چنین استدلال کرده اند: منطق و دلیل اعطای شخصیت حقوقی به شرکت های با مسئولیت محدود شرکاء این است که آن شرکت بتواند با نام خود و جدای از اعضاء مالک اموال گردد، دعاوی و مطالبات خود را تعقیب کند و یا مورد تعقیب قرارگیرد. در این شرکت ها یک جانشینی همیشگی تا انحلال شرکت وجود دارد و به همین علت حیات، موت و تغییر مدیران و سهامداران تأثیری در آن ندارد (Ibid. 212). به تعبیر برخی دیگر از حقوق دانان مفهومی که از شخصیت حقوقی بدست آمده ارتباطی با روح و جسم انسانی ندارد، بلکه فرضی است برای دارا شدن حقوق و تقبل تعهدات قانونی. هر کسی می تواند از تاریخ طولانی حقوق در اعطای شخصیت حقوقی به مصنوعات مختلف انسانی این مطلب را درک کند که نه تنها شامل شرکت ها می شود بلکه شامل کشتی ها و ساختمان ها نیز شده است. در برخی از سیستم ها، حتی برخی عناصر شخصیت حقوقی را روی یک شیء نیز بار کرده اند و به همین دلیل آن اشیاء می توانند صاحب حق و تکلیف قرار گرفته و خواهان و خوانده شوند. بنابراین، اعطای شخصیت حقوقی نیازمند یک منطق و دلیل حقوقی است که چنین امری را توجیه نماید. (Kerr, 1999: 193). همانند اینکه هر شخصی که

ادعای خاصی نسبت به یک کشتی تجاری داشته باشد، آن کشتی ممکن است به طور مستقیم به عنوان خوانده مورد تعقیب قرار بگیرد و یا توقیف گردد (Weitzenboeck, 2001: 212). از این رو، اگر اعطای برخی عناصر شخصیت حقوقی به یک شیء مانند کشتی ممکن باشد، اعطای آن به یک سیستم هوشمند رایانه‌ای به مراتب موجه‌تر است.

در نقد این نظریه گفته شده که قبول چنین تئوری توجیه حقوقی ندارد زیرا شخصیت حقوقی با ذمه مالی مرتبط است و کسی می‌تواند شخصیت حقوقی داشته باشد که بتواند دارای ذمه مالی باشد و لذا کسی یا چیزی که نتوان برای او ذمه مالی تصور کرد، نمی‌توان برای او شخصیت حقوقی و اهلیت قانونی در نظر گرفت.

در پاسخ می‌توان گفت که موارد متعددی که در سیستم‌های مختلف برای مجموعه‌ای از املاک یا اشیاء شخصیت حقوقی اعتبار شده است فاقد ذمه به معنایی است که در انسان متصور است. همان طور که بسیاری از حقوق‌دانان معتقدند شخصیت حقوقی امری اعتباری است، گرچه این اعتبار دارای منشاء واقعی باشد. بنابراین در صورت وجود مبانی مرسوم، اعتبار شخصیت حقوقی برای یک سیستم، به ویژه هوشمند با اشکالی روبرو نخواهد بود (الدسوقی، ۲۰۰۳: ۷۸).

همچنین در انتقاد از اعتبار شخصیت حقوقی، می‌توان گفت که به فرض اعطای شخصیت حقوقی از طرف مقنن به سامانه هوشمند، مشکل حقوقی آن حل نخواهد شد، زیرا در تمام مواردی که برای اموال و دارایی‌ها شخصیت حقوقی اعتبار می‌شود، اعمال حقوقی آن توسط یک شخص طبیعی به عنوان نماینده که دارای اراده انسانی است، انجام می‌پذیرد. از این رو، اعطای اعتبار شخصیت حقوقی به سیستم هوشمند مشکل حقوقی انعقاد قرارداد توسط سامانه را حل نخواهد کرد. به عبارت دیگر این ابزار الکترونیکی قدرت حقوقی لازم برای اعلام رضایت را ندارند و هیچ‌کس تاکنون ادعا نکرده که این سامانه ادراک حقوقی هدفمند را به معنای امکان اتخاذ تصمیم و ایجاد روابط حقوقی دارا می‌باشد. به تعبیر بعضی از حقوق‌دانان حتی اگر سامانه الکترونیکی هوشمند به شخصیت حقوقی دست پیدا کند، نمی‌توان گفت ابزار صلاحیت انعقاد قرارداد را هم خواهد یافت. برای اینکه یک توافق بتواند اثر حقوقی داشته باشد، باید طرفین اهلیت ابراز اراده و اعلام رضایت (صلاحیت معنوی) را داشته باشند. تفاوت بین قراردادهای منعقد شده توسط صغیر با قراردادهای افراد بالغ در همین نکته است که صغیر به‌رغم اینکه دارای حقوق شخصیت است، اما اهلیت لازم برای ایجاد قرارداد (اهلیت استیفاء) را ندارد. همین محدودیت (صلاحیت قراردادی) برای چیزهایی که فاقد عقل و شعور هستند نیز همانند یک صغیر وجود دارد. بنابراین سیستم الکترونیکی هوشمند نیز چون دارای عقل و ادراک نیست، در نتیجه اهلیت لازم برای انعقاد قرارداد را ندارد (Kerr, 1999: 191).

در پاسخ به این نقدها گفته شده است: اولاً، هدف و دلیل اصلی در تئوری اهلیت، حمایت از طرف ضعیف در روند انجام معاملات است و به همین دلیل، ضمانت اجرای این قاعده نسبت به قرارداد صغیر این است که قرارداد از طرف صغیر قابل ابطال است و این قاعده صرفاً جنبه حمایتی از طرف‌های ضعیف را دارد، لذا تسری این قاعده (قابلیت ابطال و یا بطلان آن نسبت به معاملات غیر ممیز) برای غیر موارد مصرح در قانون نیاز به دلیل دارد. از این رو، در صورت اعطای شخصیت حقوقی به این سیستم هوشمند، اعمال محدودیت نسبت به اعمال حقوقی آن نیاز به دلیل دارد.

ثانیاً، همان طور که در ماده ۵۸۸ قانون تجارت ایران بدان اشاره شده است، اشخاص حقوقی دارای کلیه حقوق و تکالیفی هستند که قانون برای افراد قائل است، مگر اینکه آن حقوق و تکالیف بالطبع مختص انسان باشد. در مورد اشخاص حقیقی نیز اصل بر اهلیت است مگر اینکه قانون محدودیتی مقرر کرده باشد؛ مثل معاملات صغیر، سفیه و یا محجور. به عبارت دیگر، وقتی قانون کلیه حقوق را برای شخص حقوقی ثابت می‌داند، این حقوق هم شامل حق تمتع و هم حق تصرف خواهد بود؛ «با حکمی که در ماده ۵۸۸ در مورد اشخاص حقوقی مقرر داشته است، اصل استثنایی بودن عدم اهلیت را در مورد این اشخاص نیز باید پذیرفت» (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۱۰). در نتیجه می‌توان گفت هر شخص حقیقی و به تبع آن شخص حقوقی دارای اهلیت برای انعقاد قرارداد می‌باشد، مگر عدم اهلیت آن ثابت شود.

۲- سامانه هوشمند همانند سایر وسایل ارتباطی

برخی گفته‌اند که سامانه هوشمند، همانند دیگر سیستم‌های ارتباطی مثل تلفن و تلکس صرفاً یک ابزار برای انتقال اراده شخص است و این عقد منتسب به کاربر این سامانه است، زیرا این کنترل‌کننده انسانی است که قرارداد را از طریق این وسایل ارتباطی منعقد می‌کند و اراده خود را اعلام می‌کند. در نتیجه این سیستم تنها انتقال دهنده اراده کنترل‌کننده خود می‌باشد (Weitzenboeck, 2001:214). مطابق این نظریه تمام مسئولیت‌های پیش‌بینی نشده بر عهده شخصی است که طراحی یا کنترل آن را بر عهده دارد و یا از آن استفاده می‌کند. از امتیازات این دیدگاه، این است که انگیزه قوی ایجاد می‌کند که کنترل‌کننده سامانه هوشمند را به نحو شایسته و دقیق برنامه‌ریزی و راه‌اندازی کرده و از آن استفاده نماید.

نقدی که بر این نظریه وارد است این است که همان‌طور که از نام این سامانه (هوشمند) پیدا است، این سامانه مثل تلفن و تلکس صرفاً یک ابزار برای اعلام مقاصد و اراده نیست بلکه کاملاً با مذاکره هوشمند شرایط متفاوتی را به وجود می‌آورد که کاربر از آن بی‌خبر است (Ruth, 2004: 120). و تعهداتی را برای او ایجاد می‌کند که کنترل‌کننده از اصل داده‌پیام و جزئیات آن ناآگاه است

(الدسوقی، ۲۰۰۳: ۷۸). چگونه می‌توان کسی را ملزم به قراردادی کرد که از آن آگاهی نداشته است (Majid, 2007: 3). این دیدگاه ناشی از عدم شناخت کافی از هوش مصنوعی^۱ و عدم باور به این امر که سامانه هوشمند می‌تواند خود مستقیماً تصمیم بگیرد (Glatt, 1998: 46).

۳- سامانه هوشمند به عنوان وکیل کاربر

نظریه دیگری که برای سامانه هوشمند مطرح شده اعطای نمایندگی به سامانه می‌باشد. این گروه اعتقاد دارند که سامانه هوشمند یک نماینده الکترونیکی خودمختار تلقی می‌شود. بر این اساس می‌توان برای سامانه یارانه‌ای که بدون دخالت انسان و به صورت هوشیار توافقی را ایجاد می‌کند، عملکردی همانند یک نماینده انسانی در نظر گرفت و به عنوان وکیل اصیل با آن برخورد کرد. بنابراین همان طور که وکیل در انعقاد قرارداد خود راساً مبادرت به انعقاد قرارداد می‌کند و ممکن است موکل در جریان جزئیات آن نباشد، جهل کاربر به جزئیات قرارداد نیز از جهت حقوقی مشکلی ایجاد نمی‌کند؛ چون این وکیل است که قرارداد را منعقد می‌کند و آگاهی وی نسبت به شرایط و جزئیات قرارداد کفایت می‌کند (Fischer, 1997: 549).

در توجیه این نظریه گفته شده است که در تعریف وکالت آمده است: یکی به دیگری برای انجام امری نمایندگی می‌دهد.^۲ لفظ «دیگری» در این تعریف کلمه عامی می‌باشد که هم می‌تواند شامل شخص طبیعی؛ و هم شامل سامانه رایانه‌ای^۳ شود (خالد، ۲۰۰۶: ۱۶۱). به همین علت، به امکان انعقاد قرارداد از طریق نمایندگی الکترونیکی در «قانون متحدالشکل راجع به معاملات الکترونیکی» ایالات متحده آمریکا تصریح شده است.^۴ البته یکی از مسائلی که متعاقب این نظریه مطرح می‌گردد، مسئولیت‌ها و اشتباهات این نماینده است که مطابق اکثر مقررات خارجی و بین‌المللی و همچنین طبق ماده ۱۸ قانون تجارت الکترونیک ما علی‌القاعده مسئولیت آن بر عهده اصل‌ساز (کنترل‌کننده انسانی) است؛ و تفصیل این بحث نیاز به مقاله‌ای مستقل دارد. طرفداران این نظریه به این نکته واقف هستند که ایجاد یک قرارداد وکالت و نمایندگی مستلزم رضایت طرفین است و نسبت دادن رضایت به رایانه شاید نامعقول به نظر برسد. برای حل این مشکل توجیهات و دلایل مختلفی ارائه شده است که در اینجا به اختصار به اهم آن پرداخته می‌شود.

1. Artificial Intelligent

۲. ماده ۶۵۶ قانون مدنی: وکالت عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود می‌نماید.
۳. لازم به ذکر است که در بند م ماده ۲ قانون تجارت الکترونیک ایران به سامانه رایانه‌ای اطلاق شخص شده است. از این رو حتی اگر گفته شود مراد از دیگری شخص است، این شامل سیستم رایانه‌ای هم خواهد شد.

4. The Uniform Electronic Transactions Act (UETA), Section 14: "Automated transaction. In an automated transaction, the following rules apply: (1) A contract may be formed by the interaction of electronic agents of the parties, even if no individual was aware of or reviewed the electronic agents' actions or the resulting terms and agreements".

۱-۳- عدم ضرورت اهلیت کامل قراردادی نسبت به وکیل

برخی گفته‌اند که چندان ناروا نیست که بگوییم که یک وسیله الکترونیکی می‌تواند به عنوان وکیل و نماینده تجاری عمل کند؛ زیرا هر چند طبق قواعد مقرر در حقوق نمایندگی، شخصی که به عنوان وکیل قرارداد منعقد می‌کند باید اهلیت قراردادی داشته باشد، لکن هم در سیستم حقوقی کامن‌لو و هم در سیستم حقوق نوشته این امر ضروری تلقی نشده که وکیل باید نسبت به قراردادی که منعقد می‌کند اهلیت کامل قراردادی داشته باشد. در حقوق کامن‌لو گفته شده است: «شخصی که به نمایندگی قرارداد منعقد می‌کند، ضرورتی ندارد که همانند سایر اشخاص اهلیت قراردادی داشته باشد، بلکه همین مقدار که می‌فهمد چه عملی را انجام می‌دهد، کفایت می‌کند». در حقوق نوشته نیز گفته شده است: «طرفی که به نمایندگی از اصیل اقدام به انعقاد قرارداد می‌نماید، نیازی به اهلیت کامل قراردادی ندارد و یک شخص محجور هم می‌تواند به عنوان نماینده یا وکیل قرارداد منعقد نماید» (Weitzenboeck, 2001: 215).

در پاسخ گفته می‌شود که توجیهات یاد شده مشکلی را حل نمی‌کند؛ زیرا نمایندگی چه در حقوق کامن‌لو و چه در حقوق نوشته بر این فرض استوار است که هر دو طرف قرارداد نمایندگی دو شخص هستند (Ibid. 214). انعقاد قرارداد از طریق وکیل و یا نماینده به واسطه اراده نماینده انجام می‌گیرد، نه اراده شخص اصیل و بنابراین وکیل و یا نماینده از منظر حقوقی باید دارای اراده و اهلیت لازم باشد، همان طور که در ماده ۶۶۲ قانون مدنی ایران نیز به صراحت بدان اشاره شده است. بنابراین تصور وجود اراده در غیر شخص طبیعی ممکن نیست.

از طرف دیگر، گفته شده نباید بین مفهوم فقدان اهلیت لازم برای یک عمل حقوقی و نداشتن شخصیت و صلاحیت حقوقی برای انعقاد قرارداد و اعمال حقوقی خلط گردد. یک شخص ممکن است به دلایلی از تصرف در اموال خود ممنوع و یا محدود شود ولی اهلیت لازم به معنای اراده انسانی که سازنده اعمال حقوقی است را دارا باشد. اما یک ابزار الکترونیکی صلاحیت لازم؛ یعنی اهلیت حقوقی سازنده اعمال حقوقی (قصد و اراده) را دارا نیست و تنها شخص طبیعی است که دارای چنین اهلیت قراردادی است. برای حل این معضل، ارائه دهندگان این نظریه قلمرو قواعد و اصول نمایندگی را توسعه داده و با تمسک به اراده ظاهری در صدد حل این مشکل برآمده‌اند (Weitzenboeck, 2001: 214). برخی نیز به این نظریه رسیده‌اند که برای حل این مشکل باید مقررهای به تصویب رساند مبنی بر حذف عنصر رضایت از قراردادهایی که توسط نمایندگی از قبل تعیین شده، منعقد می‌گردد. چنانچه در مواد ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ قانون مدنی ایتالیا چنین اتفاقی افتاده است (Giusella Finocchiaro, 2003: 20-24).

۲-۳- اعمال تئوری رضایت نسبت به نماینده الکترونیکی

بر اساس تئوری اراده باطنی - مفهوم سنتی در فرانسه - که مقرر می‌دارد: اراده و رضایت، تبعیت درونی هر طرف از قرارداد بوده و اعلام خارجی آن ارزشی جزء پیروی از اراده درونی ندارد، اگر کسی سعی کند که رویکرد اراده باطنی را نسبت به قراردادی که از طریق نمایندگی هوشمند منعقد می‌شود، اعمال نماید با این مشکل روبرو می‌شود که وضعیت درونی نماینده هوشمند چگونه قابل توجیه است و چگونه می‌توان اختیار و آزادی انتخاب را به او نسبت داد.

بر اساس تئوری اراده ظاهری که عامل و سازنده قرارداد، آن اراده ابراز شده و یا همان رضایت خارجی و مبرزه نسبت به یک عقد می‌باشد، آنچه ملاک قضاوت برای ایجاد عقد قرار می‌گیرد، اراده اعلام شده است و به همین دلیل در سیستم‌های حقوقی کامن‌لو، محاکم تمایلی نسبت به بررسی وضعیت درونی و باطنی طرفین آن ندارند. در اراده ظاهری جملات قراردادی ابراز شده معیار شخص متعارف در چنین قراردادهای است و بنابراین داده‌های نماینده الکترونیکی هوشمند نیز مطابق با آن تفسیر می‌شود که معلوم گردد آیا ایجاد یا قبول قاطعی ایجاد شده است یا نه؟ در این صورت به نظر می‌رسد اعمال رویکرد درونی سامانه هوشمند و سؤال از اینکه می‌تواند قرارداد منعقد کند یا نه بی‌ربط می‌باشد؛ آنچه ربط و اهمیت دارد، آن است که آیا شخص متعارف نسبت به شرایط پیشنهادی که توسط طرف مقابل اعلام شده رضایت دارد یا خیر؟ (Kerr, 1999: 194).

۳-۳- قرارداد به معنای توافق در همان موضوع

دیدگاه سنتی در مفهوم قرارداد نه تنها شامل تبادل تعهدات می‌شود، بلکه توافق دو جانبه طرفین در مفاد و موضوع قرارداد را نیز شامل می‌شود. برای تشکیل قرارداد برخورد و توافق دو اراده لازم است. منتهی به طور تاریخی اصطلاح توافق دو اراده^۱ برخورد چهاره به چهاره دو انسان تفسیر می‌شده است. با توجه به این نکته تاریخی، چندان بعید به نظر نمی‌رسد، گفته شود که معاملات منعقد شده توسط سامانه هوشمند در این چارچوب قرار نمی‌گیرد و نمی‌توان برخورد دو اراده را در مورد آن‌ها اطلاق کرد (Ibid). در حالی که آنچه تشکیل دهنده یک قرارداد است توافق دو اراده است؛ چه این توافق توسط دو اراده انسانی تحقق پذیرد و چه توسط یک انسان و یک سامانه هوشمند واقع گردد. ظاهراً بر همین اساس هم مقررات متحدالشکل امریکا درباره قراردادهای الکترونیکی به صراحت آن (انعقاد قرارداد توسط سامانه هوشمند) را پذیرفت.

1. consensus ad idem

۳-۴- سیستم الکترونیکی به عنوان ادامه کار انسانی و یا عملکرد مشترک

با توجه به مشکلاتی که در به رسمیت شناختن سامانه الکترونیکی به عنوان شخصیت حقوقی مستقل مطرح شده و هماهنگ با برداشت‌هایی که برخی مقررات بین‌المللی داشته‌اند، مانند قانون نمونه آنسیترال در تجارت الکترونیک، قانون متحدالشکل راجع به معاملات الکترونیکی و قانون متحدالشکل معاملات اطلاعات رایانه‌ای و برخی دیگر مقررات مشابه، به جای اعطای شخصیت حقوقی مستقل مکانیزمی ارائه شده که اعمال و واکنش‌های سامانه الکترونیکی به اشخاصی منتسب می‌شود که از این ابزار استفاده می‌کنند. بر اساس این تکنیک، خودمختاری و استقلال که ابزار الکترونیکی در تشکیل قرارداد از خود نشان می‌دهد نادیده گرفته می‌شود و چنین وانمود می‌شود که این ابزار چیزی جز یک وسیله ارتباطی نیست. چنین فرض می‌شود که هر چیزی که از طرف سیستم کامپیوتری صادر می‌شود واقعاً از طرف کنترل‌کننده انسانی صادر شده است. البته برخی از نویسندگان این تکنیک و راه حل را مبتنی بر یک برداشت غیر منطبق با واقعیت این سیستم توصیف کردند (Ibid).

پذیرش چنین نظریه‌ای بسیار بعید است و همان طور که برخی یادآور شده‌اند این نظریه مبتنی بر یک تصور تخیلی از موضوع است. اگر محل نزاع مربوط به سامانه الکترونیکی خودکار بود که بر اساس یک برنامه از قبل طراحی شده عمل می‌کرد، این امر تا حدودی قابل توجیه و پذیرش بود، اما در سیستمی که بر اساس تجربه داخلی خود (هوش مصنوعی) به طور خودکار مبادرت به ایجاب و قبول می‌کند به هیچ وجه نمی‌توان چنین نظریه‌ای را پذیرفت. آنچه هم تحت عنوان انطباق با مقررات مختلف بین‌المللی عنوان شده منصرف از محل نزاع است و همان طور که سابقاً بیان گردید، طبق گزارشات مقامات بین‌المللی انتساب اعمال حقوقی در یک سیستم حقوقی خودکار به یک شخص و یا اشخاص حقوقی بر این مبنا شکل گرفته بود که سامانه خودکار تنها بر اساس یک ساختار تکنیکی از قبل طراحی شده عمل کند، نه سیستم‌های اطلاعاتی خودمختار و مستقل که ممکن است از طریق توسعه هوش مصنوعی بتواند از طریق تجربه اصلاح ساختار کرده و ساختار جدیدی را پدید آورد؛ و این قابلیت را پیدا کند که سیستم نه صرفاً به صورت خودکار بلکه به صورت خودمختار عمل کند (Explanatory note by the UNCITRAL secretariat on CUECIC, 2007: 69).

غالب مقررات بین‌المللی همانند قانون نمونه آنسیترال ۱۹۹۶ و ۲۰۰۱ که بدین شکل وضع شده‌اند، از سامانه مزبور چنین برداشتی داشته‌اند. مقرراتی که با صراحت بیشتری به نمایندگی هوشمند اشاره کرده‌اند، مانند قانون متحدالشکل تجارت الکترونیکی کانادا مصوب ۱۹۹۹، حقوق‌دانان آن را تنها بر اساس تئوری تشکیل قرارداد بر مبنای اراده ظاهری توجیه و قابل قبول دانستند (Weitzenboeck, 2001: 223).

گفتار چهارم: صلاحیت اعطای شخصیت حقوقی به سامانه رایانه‌ای

پرسش مهمی که در رابطه با سامانه هوشمند رایانه‌ای وجود دارد، مربوط به صلاحیت اعطای شخصیت حقوقی به سامانه هوشمند رایانه‌ای است و اینکه بر چه اساسی می‌توان به این سامانه شخصیت حقوقی اعطاء کرد. برای اعطای شخصیت حقوقی سه مبنا تحت عناوین: استحقاق معنوی^۱، اهلیت اجتماعی^۲ و تکنیک حقوقی^۳ پیشنهاد شده که در اینجا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- استحقاق معنوی

برخی معتقدند به چیزی می‌توان شخصیت حقوقی اعطاء کرد که استحقاق معنوی داشته باشد. از آنجا که استحقاق معنوی منوط به دارا بودن حس و شعور معنوی است، رایانه فاقد چنین حس و شعور معنوی است. بنابراین برای دریافت شخصیت حقوقی صالح نمی‌باشد. اگر چه نوشته‌های مهمی راجع به دارا بودن حس و شعور این سیستم‌ها وجود دارد، اما بررسی دقیق آن برای مقاصد ما لازم نیست؛ چرا که داشتن حس و شعور این سیستم‌ها برای مقاصد ما مهم نیست، لذا لزومی ندارد برای اعطای شخصیت حقوقی به سیستم رایانه‌ای هوشمند از این مبنا استفاده کنیم (Kerr, 1999: 193).

۲- اهلیت اجتماعی

مدتی است که بسیاری از فیلسوفان دریافته‌اند که سؤال معرفت‌شناسان و دانشمندان بارانه این نیست که آیا ابزار الکترونیکی حس معنوی خودشان را بروز می‌دهند یا نه؟ بلکه سؤال این است که آیا آن‌ها می‌توانند به طور کامل نسبت به سؤال‌کننده انسانی واکنش نشان داده و ایشان را متقاعد کنند که این سامانه‌ها می‌توانند عمل حقوقی انجام دهند؟ نکته اصلی برای قائل شدن به شخصیت حقوقی برای سامانه رایانه‌ای این است که آیا رفتاری که این سامانه از خود نشان می‌دهد با رفتاری که یک شخص حقوقی صاحب استدراک انجام می‌دهد، به قدر لزوم مشابه است؛ به نحوی که سامانه بتواند درک کند که کاری که انجام می‌دهد می‌تواند به انعقاد یک قرارداد منجر شود؟ مطابق با نظر کسانی که این دیدگاه را دارند، زمانی که افراد با یک ابزار الکترونیکی تعامل می‌کنند و خود آن - و نه کنترل‌کننده آن - را منبع ایجاب و قبول می‌دانند، می‌توان گفت که ابزار مزبور اهلیت اجتماعی را کسب کرده است؛ و دارای شخصیت حقوقی است (Ibid).

1. Moral entitlement
2. Social capacity
3. Legal convenience

۳- تکنیک حقوقی

برخی هم اعتبار شخصیت حقوقی را یک تکنیک حقوقی می‌دانند که قانونگذار بدین وسیله می‌خواهد، ارتباط با مجموعه‌ای از اشخاص و دارایی‌ها را تسهیل کند و معاملات با آنان را آسان نماید. مثلاً گفته شده که اعتبار شخصیت حقوقی برای شرکت‌های تجاری برای تسهیل روابط بوده است (اسکینی، ۱۳۸۳: ۳۷). از این طریق به راحتی می‌توان معاملات بین اشخاص و شرکت (مجموعه‌ای از افراد) را توجیه و تسهیل کرد. اعطای شخصیت حقوقی به سامانه هوشمند یک تکنیک حقوقی است که موجب تسریع و تسهیل در قراردادهایی خواهد شد که از طریق سامانه‌های رایانه‌ای انجام می‌گیرد.

گفتار پنجم: نمایندگی هوشمند از منظر حقوق ایران

نمایندگی هوشمند از منظر حقوق ایران مستلزم بررسی دو موضوع اساسی است: موضوع اول اعتبار شخص حقوقی برای سامانه هوشمند؛ و دیگری امکان انعقاد معامله توسط خود سامانه هوشمند است که در ذیل بررسی می‌شود.

۱- اعتبار شخص حقوقی برای سامانه هوشمند

قانون تجارت الکترونیک ایران مصوب سال ۱۳۸۲ اشاره مستقیمی نسبت به قراردادهای منعقد شده توسط سیستم‌های هوشمند ندارد و تنها در بند (ب) ماده ۱۸ در خصوص انتساب داده‌پیام به اصل‌ساز^۱ اشاره می‌کند که اگر داده‌پیام به وسیله سیستم اطلاعاتی برنامه‌ریزی شده یا تصدی خودکار از جانب اصل‌ساز ارسال شود، معتبر است. شاید بتوان گفت که منظور قانونگذار از «تصدی خودکار»، همانند سایر مقررات بین‌المللی که در آن دوره زمانی به تصویب رسیده، مربوط به ارسال داده‌پیام و اطلاعاتی است که از قبل توسط اصل‌ساز (کنترل‌کننده انسانی) تهیه و طراحی شده و به وسیله سامانه خودکار ارسال می‌شود، نه اینکه خود سامانه به طور هوشمند به تولید داده‌پیام مبادرت نموده و مستقلاً و خودمختار آن را به طرف قرارداد ارسال کرده باشد. بر اساس همین تفسیر است که انتساب چنین داده‌پیامی به اصل‌ساز به آسانی قابل توجیه و پذیرش می‌گردد، زیرا ارسال داده‌پیام به طور خودکار توسط سامانه رایانه‌ای که داده‌پیام‌های آن از قبل طراحی و تنظیم شده نقشی بیش از یک رسانه مدرن به این سامانه اعطاء نخواهد کرد و در نهایت اراده کاربر و یا همان اصل‌ساز را به طرف قرارداد منتقل می‌کند و ایجاب و قبول چنین قراردادی به طور مستقیم به اصل‌ساز منتسب است.

۱. اصل‌ساز (Originator): منشا اصلی «داده‌پیام» است که «داده‌پیام» به وسیله او یا از طرف او تولید یا ارسال می‌شود اما شامل شخصی که در خصوص «داده‌پیام» به عنوان واسطه عمل می‌کند نخواهد شد (بند ب ماده ۲ قانون تجارت الکترونیک).

از این رو، بندهای (ب) و (ج) ماده ۲ قانون تجارت الکترونیک به تعریف طرفین قرارداد در تجارت الکترونیک با عنوان اصل‌ساز و مخاطب می‌پردازد. در این ماده نه تنها واسطه رسانه‌ای بلکه هر شخص دیگری را که به عنوان واسطه عمل می‌کند^۱، به عنوان طرفین قرارداد نمی‌شناسد، همانطور که در حقوق نمایندگی متذکر شده است، شخصی که فقط وسیله رساندن و ابلاغ اراده طرف معامله است، در انعقاد قرارداد نماینده نیست، بلکه رسول و پیام‌آور است (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۵۴). مطابق با بند (ب) ماده ۲، طرف قرارداد کسی است که داده‌پیام توسط او و یا از طرف او تولید یا ارسال می‌شود. اگر تولید و ارسال داده‌پیام از طرف خود اصل‌ساز باشد، خود او به عنوان اصیل طرف قرارداد تلقی می‌شود، اما در آنجایی که از طرف اصل‌ساز، داده‌پیام تولید و ارسال می‌شود، لازم است آن شخص به نمایندگی از اصل‌ساز عمل نماید تا بتوان داده‌پیام (ایجاب و قبول) را از طریق نمایندگی به اصل‌ساز منتسب کرد.

در نتیجه آنجایی که دخالت شخص یا دیگر ابزار فقط جنبه ناقل بودن داده‌پیام را دارد مثل نامه، فاکس، تلکس، ایمیل، وب سایت به صورت آنلاین، در این صورت موجب و یا طرف قرارداد خود اصل‌ساز است، اما در جایی که دخالت دیگران در تولید و ارسال داده‌پیام باشد، ضرورتاً ایجاب کننده و یا طرف قرارداد باید آن اشخاص واسطه‌ای باشند که به نمایندگی از طرف اصل‌ساز عمل می‌کنند و قرارداد هم از این طریق منتسب به اصل‌ساز است. در این موارد که اصیل نه از اصل ایجاب و قبول در قالب داده‌پیام اطلاع دارد و نه از شرایط و کم و کیف آن، اصیل نمی‌تواند به عنوان ایجاب کننده و طرف قرارداد به عنوان ایجاب کننده و یا قبول کننده، پذیرفته شود.

در فرض اخیر که واسطه (تولید کننده و ارسال کننده داده‌پیام) به نمایندگی عمل می‌کند، چنانچه این واسطه شخص حقیقی باشد، مطابق قواعد نمایندگی در صورت وجود شرایط قانونی نمایندگی، مشکلی وجود نخواهد داشت. اما در صورتی که سامانه رایانه‌ای واسطه تولیدکننده و ارسال کننده داده‌پیام باشد، آیا می‌توان آن را به عنوان نماینده‌ای که طرف قرارداد و ایجاب کننده است پذیرفت؟

با دقت در مواد قانون تجارت الکترونیک ایران می‌توان راه‌حل‌های مناسبی همراه با نوعی آینده‌نگری کشف نمود. بند (ب) ماده ۲ این قانون در مقام تعریف اصل‌ساز به عنوان طرف قرارداد، آن را به عنوان منشاء اصلی داده‌پیام تعریف می‌کند. از این رو، هر شخص که تولید کننده ایجاب (داده‌پیام) باشد، اعم از شخص یا سامانه رایانه‌ای می‌تواند به عنوان طرف قرارداد به حساب آید، زیرا عبارت قانونی مذکور عام بوده و شامل هر دو می‌شود.

۱. یعنی صرفاً رسانه و انتقال دهنده داده‌پیام «ایجاب و قبول» به مخاطب است، نه صرفاً تولید کننده آن.

ممکن است گفته شود که به قرینه بخش اخیر بند (ب) ماده ۲ و بند (الف) ماده ۱۸ منظور مقنن از منشأ اصلی داده‌پیام و یا از طرف او در این قانون، شخص است اعم از حقیقی و یا حقوقی که قانون آن را به عنوان شخص دارای صلاحیت و اهلیت به رسمیت شناخته است.

در پاسخ می‌توان گفت که بند (م) ماده ۲ این قانون در مقام تبیین مفاهیم بکار گرفته شده در تجارت الکترونیک، در تعریفی که از شخص ارائه می‌دهد، بیان می‌دارد که شخص اعم است از شخص حقیقی یا حقوقی و یا سیستم‌های رایانه‌ای تحت کنترل آنان. به نظر می‌رسد قانون تجارت الکترونیک که مطابق ماده یک آن مجموعه اصول و قواعدی است که برای مبادله آسان و ایمن اطلاعات در واسطه‌های الکترونیکی و با استفاده از سیستم‌های ارتباطی جدید بکار می‌رود، علاوه بر توسعه شیوه‌های انعقاد قرارداد، قلمرو برخی از مفاهیم حقوقی را نیز توسعه داده است. مفهوم شخص که تاکنون در اصطلاحات حقوقی دارای دو مصداق شخص حقیقی و شخص حقوقی بوده است، در این قانون، سیستم‌های رایانه‌ای نیز به عنوان یک شخص که می‌تواند اعمال حقوقی انجام دهد، پذیرفته شده است. از اینکه قانونگذار سیستم رایانه‌ای را قسیم شخص حقیقی و شخص حقوقی قرار داده است، چه منظوری داشته است، جای تأمل و بررسی دارد.

اگر مراد قانونگذار واقعاً تعریف شخص جدیدی به عنوان قسیم آن دو شخص باشد، در این صورت مقنن بایستی همان طور که در ماده ۵۸۸ قانون تجارت مقرر شده، حقوق و مسئولیت‌های چنین شخصی را تعیین می‌کرد. یکی از حقوقی که مطابق این قانون می‌توان برای این شخص در نظر گرفت، مفاد ماده ۱۸ این قانون است که مطابق با آن در انتساب داده‌پیام به اصل‌ساز به عنوان طرف قرارداد چنین مقرر کرده که، داده‌پیام (ایجاب یا قبول) یا از طرف خود او ارسال می‌گردد و یا توسط شخص حقیقی که از طرف او مجاز است؛ و یا توسط سیستم رایانه‌ای خودکار به عنوان شخص جدیدی که به نمایندگی از اصل‌ساز همانند شخص حقیقی داده‌پیام را تولید و ارسال می‌کند. در واقع مطابق این قانون، سه شخص می‌توانند به عنوان طرف قرارداد، نسبت به انعقاد قراردادهای الکترونیکی اقدام کنند: اصل‌ساز؛ شخص حقیقی به نمایندگی از اصل‌ساز؛ شخص جدیدالتعریف در این قانون به نام سیستم رایانه‌ای.

بنابراین مطابق با تفسیر یاد شده از این قانون، سیستم رایانه‌ای خودکار به عنوان یک شخص توسط قانون به رسمیت شناخته شده و به نمایندگی از اصل‌ساز می‌تواند ایجاب و یا قبول را انشاء کند و قرارداد منعقد کند، زیرا تولید و ارسال داده‌پیام بارزترین عملی است که از این شخص (سیستم رایانه‌ای خودکار) در قراردادهای الکترونیکی مورد انتظار است. مطابق این مبنا: «اهلیت و

حجر در اختیار قانونگذار است و تنها قانون استعدادهای شخص در تملک و اجرای حق را معین می‌کند» (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۵۴). در نتیجه می‌توان گفت که قانونگذار در این قانون، سیستم رایانه‌ای خودکار را دارای اهلیت برای انعقاد قرارداد دانسته و به تعبیر دیگر این اهلیت را قانونگذار به او اعطاء کرده است.

با دقت در سایر موارد قانون تجارت الکترونیک نیز می‌توان به این نتیجه رسید که قانونگذار در صدد اعطای نوعی شخصیت حقوقی محدود و مشخص به این سیستم رایانه‌ای خودمختار می‌باشد. بند (م) ماده ۲ در تعریف شخص، پس از ذکر شخص حقیقی و حقوقی، از سیستم رایانه‌ای نام می‌برد که تحت کنترل آنان (یعنی شخص حقیقی و حقوقی) است. این قید می‌تواند به این معنا باشد که این سیستم تنها می‌تواند از طرف آن‌ها، اعمال حقوقی انجام دهد و به نمایندگی از آنان ایجاب و قبول را انشاء کند و قرارداد را منعقد نماید. در واقع همان طور که برخی از فقهاء فرمودند، صغیر ممیز بدون اینکه اجازه انعقاد قرارداد در اموال خودش را به عنوان اصیل داشته باشد که این مسئله مورد اتفاق فقهاء است (به دلیل ممنوعیت تصرف صبیء در اموال خودش با توجه به آیه). اما وی مجاز است که به عنوان وکیل از طرف ولی و یا قیم و یا اشخاص ثالث در اموال آنان، مستقلاً مبادرت به انشاء قرارداد نماید^۱ (همان، ۲۳)؛ (خویی، ۱۳۷۱: ۲۵۹)؛ (امامی، ۱۳۴۶: ۲۱۷-۲۱۶). لذا در خصوص این شخص جدید نیز قانونگذار اعمال حقوقی او را صرفاً به نمایندگی از یکی از اشخاص حقیقی یا حقوقی پذیرفته است و اهلیتی تا این درجه به او اعطاء کرده است.

اگر چنین گفته شود که از عبارت بند (م) ماده ۲ استنباط می‌شود که مراد قانونگذار از سیستم، صرفاً ابزاری است که همانند تلفن و تلکس اراده و ایجاب اشخاص شناخته شده (اعم از حقیقی و حقوقی) را منتقل می‌کند، نه اینکه خود ایجاب کند و به طرف مقابل ارسال نماید، در پاسخ می‌توان گفت که اگر مراد قانونگذار صرف وسایل ارتباطی بود، نیازی نداشت تا آن را به عنوان یک شخص تعریف کرده و مفهوم شخص را توسعه دهد. چنین تفسیری منجر به لغویت عمل قانونگذار می‌گردد. مؤید دیگر اینکه در ماده ۱۸، مقنن ارسال داده پیام توسط سیستم رایانه‌ای را در عرض ارسال به واسطه خود اصیل و نماینده شخص حقیقی قلمداد کرده و گفته است که از جانب آنان (همانند دیگر نماینده‌ها) ارسال کند، نه اینکه اراده و ایجاب آن‌ها را ارسال نماید.

۱. فالتحصّل مما ذکرناه: أنه لا مانع من مباشرة الصبی العقد والایقاع فی مال نفسه إذا کان ذلک باذن الولی، وکان الصبی وکیلاً فی إجراء الصیفة فقط کما لا مانع من مباشرة لهما علی نحو الاستقلال فیما إذا توکل عن أجنبي من ولی أو غیره (خویی، ۱۳۷۱: ۲۶۰).

نکته دیگر اینکه بند (ب) ماده ۱۸، قانون تجارت الکترونیک بین سیستم اطلاعاتی برنامه‌ریزی شده و تصدی خودکار فرق گذاشته و این امر می‌تواند نشان از آینده‌نگری قانونگذار داشته باشد. فرق بین سیستم اطلاعاتی برنامه‌ریزی شده و تصدی خودکار در این است که اطلاعات و داده‌پیام آن از قبل توسط اصل‌ساز طراحی نشده است، بلکه خود سیستم به طور خودمختار اطلاعات را تولید و ارسال می‌کند و در واقع اشاره‌ای به عملکرد نمایندگی هوشمند یا همان هوش مصنوعی است.

به نظر می‌رسد اعطای نوعی شخصیت حقوقی به سامانه رایانه‌ای در بند (م) ماده ۲ قانون تجارت الکترونیک قابل برداشت است، چنانچه ادعا شود که مقررات فعلی دال بر اعطای شخصیت به سیستم کامپیوتری نیست، در این صورت نیازمند قانونگذاری در این زمینه خواهیم بود. بر این اساس، مقنن باید با اعطای شخصیت حقوقی به سامانه هوشمند رایانه‌ای (همانطور که به شرکت‌های تجاری و غیر تجاری و اموال و اماکن موقوفه «اعم از عام و خاص» مطابق ماده ۳ قانون اوقاف سال ۱۳۵۴ و ۱۳۶۳ چنین شخصیتی را اعطاء کرده است) (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۳۲۵) امکان فعالیت حقوقی این سامانه رایانه‌ای را فراهم سازد.

۲- امکان انعقاد معامله توسط خود سامانه هوشمند

موضوع مهم دیگری که در مورد نمایندگی هوشمند مطرح می‌شود، این است که بر فرض وجود شخصیت حقوقی برای سامانه هوشمند، آیا بر اساس مبانی حقوقی فقهی ما، این سامانه می‌تواند راساً نسبت به انعقاد قرارداد مبادرت کند و یا همان طور که در ماده ۵۸۹ قانون تجارت آمده است تصمیمات شخص حقوقی تنها به وسیله مقاماتی که به موجب قانون یا اساسنامه صلاحیت اتخاذ تصمیم دارند اتخاذ خواهد شد؟ به نظر می‌رسد که انعقاد معامله توسط سامانه هوشمند فاقد هرگونه مانع حقوقی و فقهی است که به اختصار می‌توان به دلایل زیر استناد کرد.

۲-۱- اهلیت عام اشخاص حقوقی

طبق ماده ۵۸۸ قانون تجارت اصل بر اهلیت اشخاص حقوقی است، مگر در موارد استثنایی که عدم اهلیت آن‌ها تصریح شده باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۱۰). پیدایش اصل مزبور ناشی از تنوری واقعی بودن شخصیت حقوقی است؛ زیرا این اشخاص بر اساس احتیاجات و ضرورت‌های جامعه بوجود می‌آیند و همین نیازهاست که قانونگذار را به شناسایی آن‌ها وادار می‌کند، پس همان گونه که از حیث تولد و پیدایش به فرض و اراده مقنن بستگی ندارند از جهت اهلیت هم به قانون و اراده مقنن بستگی ندارند و لذا واجد اهلیت عام هستند مگر عدم اهلیت در مورد آنان تصریح شده باشد (صفار، ۱۳۷۹: ۳۶۷). حتی بر فرض اینکه شخصیت

حقوقی از حیث وجود تابع اعتبار و فرض قانونی باشد، در سیستم حقوقی ما صلاحیت و اهلیت اشخاص حقوقی همانند شخص حقیقی عام و کامل است. از این رو یک شخص حقوقی اهلیت لازم جهت اجرای حق و انعقاد قراردادها را دارا می‌باشد. همان طوری که شخص حقیقی هم حق تمتع و هم حق استیفاء دارد، شخص حقوقی نیز دارای هر دو حق تمتع و استیفاء و تصرف می‌باشد. در نتیجه از دیدگاه حقوق ما، سامانه رایانه‌ای به عنوان شخص حقوقی می‌تواند بدون هیچ محدودیتی قرارداد منعقد نماید.

لازم به ذکر است که در اعمال این قاعده - یعنی عمومیت اهلیت و استثنایی بودن عدم اهلیت - نسبت به اشخاص حقیقی نیز نباید تردید کرد. مراجعه به کتب فقهی به روشنی مشخص می‌کند که فقها هیچ‌وقت از اینکه چه کسانی اهلیت دارند، بحث نکرده‌اند؛ بلکه از کسانی که اهلیت ندارند، بحث نموده‌اند. بدین جهت فصلی در کتب فقهی وجود دارد تحت عنوان «کتاب حجر» که مصادیق محجورین را احصاء می‌کند. بدیهی است غیر از این موارد تمام اشخاص علی‌القاعده اهل محسوب شده و محجور نمی‌باشند.

۲-۲- عدم ضرورت استفاده از شخص حقیقی در اجرای حق توسط سامانه رایانه‌ای

تصور ضرورت استفاده از اشخاص حقیقی در اجرای حق برای شخص حقوقی، ناشی از این امر است که در طول تاریخ تا به امروز تصور نمی‌شد که غیر انسان (شخص حقیقی) چیزی بتواند دست به اعمال حقوقی بزند و اجرای حق نماید. با همین تصور است که برخی از حقوق دانان متذکر می‌شوند که «اعمال نظریه نمایندگی لازمه زندگی اقتصادی اشخاص حقوقی است. شخص حقوقی موجودی است اعتباری و زاده نیازها و ضرورت‌های اقتصادی. آنچه در خارج وجود دارد مدیران و نمایندگان آن شخص است و ارتباط اعمال حقوقی مدیران با دارایی موجود اعتباری، حرکت و فعالیت آن را ممکن می‌سازد» (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۶۷). یا برخی از نویسندگان دیگر تصریح می‌کنند که «چون شخص حقوقی یک فرد انسانی نیست که بتواند مستقیماً و بدون دخالت دیگری حقوق خود را اجرا کند و اعمال حقوقی انجام دهد، قانونگذار مقرر می‌دارد که تصمیمات شخص حقوقی به وسیله مقاماتی که به موجب قانون یا اساسنامه صلاحیت اتخاذ تصمیم دارند گرفته می‌شود» (صفایی، ۱۳۷۹: ۷۷-۷۶). از این رو به نظر می‌رسد ضرورت دخالت شخص حقیقی در اجرای حق ناشی از این باور تاریخی است که امکان اجرای حق توسط غیر شخص حقیقی متصور نبود. بنابراین در جایی که شخص حقوقی بتواند مستقیماً و بدون دخالت دیگری (شخص حقیقی) اعمال حقوقی انجام دهد و اجرای حق نماید، صحبت از اهلیت تصرف داشتن یا نداشتن او مورد ندارد و نباید در اهلیت او تردید کرد.

۲-۳- رشد تنها معیار در اعطای اهلیت تصرف

در مورد شخص حقوقی ممکن است، این موضوع مطرح شود که هر چند شخص حقوقی اهلیت تمتع دارد؛ ولی اهلیت تصرف و اجرای حق وی باید جداگانه احراز شود. بر فرض که چنین ایرادی وارد باشد،^۱ در پاسخ می‌توان گفت: آنچه که به یک شخص حقیقی اهلیت تصرف می‌دهد، شخصیت انسانی فرد نیست، بلکه ملاک و معیار اعطای اهلیت تصرف، وجود «رشد» است که شرط مستقلی از بلوغ است. مبنای تفاوت بین بلوغ و رشد آیه ۶ سوره شریفه نساء است که می‌فرماید: «و ابتلوا الیتامی حتی إذا بلغوا النکاح فان آنستم منهم رشداً فادفعوا إلیهم أموالهم».

در تبیین این آیه شریفه عده‌ای از مفسرین اعتقاد دارند: مفاد آیه، دال بر این معنا است که تا زمان بلوغ می‌توانید صغیر را اختبار کنید که آیا رشید است یا خیر؟ و در صورت احراز رشد، اهلیت او مسلم خواهد بود و اموال وی باید به او تحویل شود. مطابق این تفسیر رشد تنها شرط لازم برای اهلیت تصرف خواهد بود و در این حالت یک شخص به مجرد احراز رشد، واجد اهلیت تصرف خواهد بود چه بالغ شده باشد و چه به سن بلوغ نرسیده باشد (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳: ۲۰۷)؛ (خمینی، ۱۴۱۰: ۵)؛ (مرحوم ایروانی به نقل از: خویی، ۱۳۷۱: ۲۴۶).

عده دیگری از مفسرین این احتمال را بیان کرده‌اند که لفظ «حتی» در آیه برای غایت است یعنی صغیر را تا زمان بلوغ اختبار کنید، به نحوی که مغیا داخل در غایت نیست؛ یعنی پس از آن (بالغ شدن)، دیگر نیازی به اختبار نیست. بر این اساس هر یک از بلوغ و رشد، معیار مستقلی برای اهلیت تصرف می‌باشد. به عبارت دیگر، اگر تا قبل از بلوغ، رشد غیر بالغ ثابت شود، اهلیت لازم را برای تصرف در دارایی خود کسب خواهد کرد و اگر بالغ شود، بدون اثبات رشد هم اهلیت خواهد داشت. البته در این خصوص نیز تصریح شده که اهلیت تصرف به صرف بلوغ نیست بلکه به این دلیل است که بلوغ اماره بر رشد است و دیگر نیازی به اختبار نیست (خمینی، ۱۴۱۰: ۶). آنچه باز از این برداشت می‌توان استنباط کرد، این است که تنها معیار برای اهلیت تصرف، رشد است.

تفسیر دیگری که در این مقام گفته شده این است که اجتماع بلوغ و رشد موجب تحقق اهلیت تصرف خواهد شد؛ یعنی پس از احراز بلوغ و رشد می‌تواند در اموال خود تصرف کند (خمینی، ۱۴۱۰ق: ۷)؛ (خویی، ۱۳۷۱: ۲۴۴).

۱. بیگمان در اشخاص حقیقی نیز عدم اهلیت امری استثنایی است که به حکم قانون مقرر می‌شود ... بدین ترتیب تنها کسی را می‌توان محجور دانست که قانون مقرر کرده است (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۱۰).

مطابق دو دیدگاه اول، آنچه که معیار اهلیت تصرف است و شخص را مجاز به انعقاد قرارداد می‌کند «رشد» است. حتی برخی از فقهاء که علاوه بر رشد، بلوغ را هم برای اهلیت شرط می‌دانند، اعتقاد دارند که در صورت اجازه مالک، صغیری که رشد پیدا کرده می‌تواند از طرف مالک در اموال وی تصرف کند و به نام وی قرارداد منعقد نماید (روحانی، ۱۴۱۷ق: ۲۴۶). بنابراین در تصرفات نمایندگی فقط رشد نماینده و نه بلوغ وی شرط است.

رشد یک مفهوم عرفی است (شهید ثانی، ۱۴۱۶ق: ۱۴۹)، که فقهاء و حقوق‌دانان تقریباً یک تعریف واحدی از آن ارائه کرده‌اند. برخی بیان کرده‌اند: «رشد چهره‌ای از عقل است که شخص را از تباه کردن اموال خود باز می‌دارد و به اصلاح آن هدایت می‌کند» (طبرسی، ۱۴۱۵ق: ۲۰). بسیاری از فقهاء، رشد را به معنای اصلاح در مال گرفتند. مرحوم شیخ طوسی در مبسوط می‌فرماید: «ایناس الرشد منه ان یکون مصلحا لماله». (طوسی، ۱۴۶۰ق: ۲۸۴)؛ (محقق حلی، ۱۴۰۳ق: ۳۵۲). در بیان «اصلاح در مال» می‌فرماید: برای اختبار رشد، ایشان را وارد بازار کنید تا با مردم معامله کنند و چنانچه توانستند از اموال صیانت کنند، آنان رشید هستند (طوسی، ۱۴۶۰ق: ۲۸۴). مرحوم محقق حلی می‌فرماید: اختیار رشد به این است که او را وارد تصرفات مالی بکنید تا توان او را در معاملات و صیانت از فریب خوردن مشاهده کنید (محقق حلی، ۱۴۰۳ق: ۳۵۲). علامه حلی نیز می‌فرماید: رشد حالتی است که از تباهی مال جلوگیری می‌کند و موجب تصرف عقلایی می‌گردد و همین که توانست معامله‌ای انجام دهد و مغیوب نشود حکم به رشد او می‌شود (علامه حلی، بی تا: ۱۳۴). از این رو، در تحقق مفهوم رشد، باید همچون عالم اجتماعی بدین کاوش پرداخته شود که آیا منش اجتماعی و شیوه اداره مال شخص مورد دعوی در دیدگاه عرف به گونه‌ای است که بتوان گفت مال خود را تباه نمی‌کند و به شیوه خردمندان در اصلاح آن می‌کوشد (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲۷).

در نتیجه می‌توان گفت در صورتی که سامانه رایانه‌ای خود مختار یا همان هوش مصنوعی به عنوان یک شخص (که در قانون به رسمیت شناخته شده است) دارای رشد باشد؛ یعنی داوری عرف و اجتماع بر این باشد که او می‌تواند اموال شخص را به شیوه خردمندان اصلاح کند، باید پذیرفت که دارای اهلیت لازم برای انعقاد قرارداد می‌باشد و قرارداد تشکیل شده به وسیله این سامانه هوشمند معتبر و الزام‌آور است. به عبارت دیگر همان طور که سامانه رایانه‌ای، می‌تواند با افراد بازی شطرنج انجام دهد و آن‌ها را شکست دهد و یا از آن‌ها شکست بخورد، چنین سامانه‌ای می‌تواند در مورد شرایط قراردادی اتخاذ تصمیم کند و قرارداد منعقد کند. هوشیاری چنین سامانه‌ای در انعقاد یک قرارداد معین از یک انسان معمولی کمتر نیست.

نتیجه‌گیری

انعقاد قرارداد الکترونیکی توسط سامانه خودکار و خودمختار به نحوی که بر اساس تجربه خود و بدون مداخله شخص انسانی، ایجاب و قبول نماید و شرایط قرارداد را معین کند، امری است که مورد توجه بسیاری از نویسندگان حقوقی قرار گرفته است و این سؤال را در اذهان دانشمندان حقوقی بوجود آورده است که آیا بر اساس مبانی حقوقی، قرارداد منعقدۀ توسط این سامانه‌های هوشمند می‌تواند صحیح و از جهت حقوقی معتبر باشد.

در تبیین و تحلیل از چنین سامانه هوشمندی، برخی آن را صرفاً یک ابزار اعلام اراده همانند تلفن و فاکس تفسیر نموده‌اند و خودشان را از ایرادات مطرح شده رها ساختند. برخی دیگر اعطای شخصیت حقوقی را به این سیستم هوشمند ضروری دانسته‌اند. گروه سومی هم آن را به عنوان نماینده حقوقی در قالب مباحث نمایندگی توجیه نمودند.

از منظر حقوق ما با توجه به اینکه سامانه رایانه‌ای در قانون تجارت الکترونیک ایران به عنوان یک شخص اعلام شده است و قاعده این است که اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی دارای اهلیت کامل حقوقی می‌باشند و عدم اهلیت امری استثنایی است، در نتیجه سامانه رایانه‌ای باید علی‌القاعده اهلیت انعقاد قرارداد را داشته باشد. علاوه بر آن، مطابق برخی نظریات فقهی برای اینکه شخص واجد اهلیت انعقاد قرارداد (اهلیت قراردادی) گردد، تنها شرط لازم رشد است و رشد هم به معنای شیوه عقلایی اداره و سیانت اموال و اصلاح مال تعریف شده است و حتی برخی از آنانی که علاوه بر رشد، بلوغ را نیز شرط دانسته‌اند، در معاملات منعقدۀ توسط نماینده مقرر نموده‌اند که رشد کافی است و بلوغ را ضروری ندانسته‌اند. پس چنانچه یک شخص (همانند سیستم رایانه‌ای خودکار) بتواند به شیوه عقلایی معاملاتی انجام دهد و از تباه شدن اموال و غبن سیانت کند، باید چنین شخصی را دارای اهلیت معامله دانسته و قراردادهای آن را صحیح و معتبر تلقی کرد.

منابع

الف- فارسی

- ۱- اسکینی، ریما، *حقوق تجارت: شرکت‌های تجاری*، ج ۱، تهران، سمت، چاپ هشتم، ۱۳۸۳.
- ۲- امامی، سید حسن، *حقوق مدنی*، تهران، ج ۲، موسسه اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۴۶.
- ۳- امیری قائم مقامی، عبدالمجید، *حقوق تعهدات*، تهران، ج ۲، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- ۴- ستوده تهرانی، سید حسن، *حقوق تجارت*، تهران، ج ۱، نشر دادگستر، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
- ۵- صفار محمد جواد، *شخصیت حقوقی*، تهران، نشر دانا، چاپ اول، ۱۳۷۳.

تشکیل قراردادهای از طریق نمایندگی سامانه هوشمند ۲۵

- ۶- صفایی سید حسین، *اموال و مالکیت*، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- ۷- کاتوزیان، ناصر، *حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها*، تهران، ج ۲، شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم، ۱۳۷۹.
- ۸- کاتوزیان ناصر، *گامی به سوی عدالت*، تهران، ج ۲، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۹.

ب- عربی

- ۹- ابراهیم الدسوقی ابواللیل، *الجوانب القانونية للتعاملات الالكترونية*، کویت، مجلس النشر العلمي، ۲۰۰۳ م.
- ۱۰- اردبیلی (مقدس)، احمد، *مجمع الفائدة والبرهان*، ج ۸ و ۹، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ ق.
- ۱۱- جبعی عاملی، زین الدین (شهید ثانی)، *مسائل الافهام الى تنقيح شرايع الاسلام*، ج ۴، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۶.
- ۱۲- حلّی (علامه)، حسن بن یوسف، *قواعد الاحکام*، قم، ج ۲، منشورات الرضی، چاپ اول، بی تا.
- ۱۳- حلّی (محقق حلّی)، جعفر بن حسن، *شرايع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام*، بیروت، ج ۲، دار الاضواء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
- ۱۴- خالد مدوح ابراهیم، *ايرام العقد الالكتروني*، اسکندریه، دارالفکر الجامی، چاپ اول، ۲۰۰۶.
- ۱۵- خویی سید ابوالقاسم، *مصباح الفقاهة*، قم، ج ۳، نشر وجدانی، چاپ سوم، ۱۳۷۱.
- ۱۶- روحانی، سید محمد، *المسائل المتشعبة*، بیروت، مکتبه الایمان، ۱۴۱۷ ق.
- ۱۷- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، ج ۳، مؤسسه الاعلمی، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
- ۱۸- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن، *المبسوط فی فقه الامامیه*، تهران، ج ۲، المکتبه المرتضویه لاحیاء الایثار الجعفریه، ۱۴۶۰ ق.
- ۱۹- موسوی خمینی، روح الله، *کتاب البیع*، قم، ج ۲، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۰ ق.

ج- لاتین

- 20- Giusella Finocchiaro and software agents, *Electronic contracts*, volume 19, issue 1, January 2003, Pages 20-24.
- 21- Christoph Glatt, *Comparative Issues in the Formation of Electronic Contracts*, International Journal of Law and Information Technology, Oxford university press, Volume 6, no1, 1998.
- 22- Emily M. Weitzenboeck, *Electronic Agents and the formation of contracts*, International Journal of Law and Information Technology, volume9, 2001.
- 23- *Explanatory note by the UNCITRAL secretariat on the United Nations Convention on the Use of Electronic Communications in International Contracts*, (CUECIC) UNITED NATIONS PUBLICATION, V.06-57452- January 2007-2, 800, p 69.
- 24- Nielsen Ruth, Jacob Sandfeld, Trzaskowski Jan, *EU Electronic Commerce Law*, Djof Publishing, 2004.

- 25- Ian F. Kerr: "Providing for Autonomous Electronic Devices in the Uniform Electronic Commerce Act", 1999, part 1 A, online: <http://www.law.ualberta.ca/alri/ulc/current/ekerr.htm>
- 26- Sylvia Mercado Kierkegaard, **E-Contract Formation: U.S. and EU Perspectives**, 3 *Shidler Journal of Law, Commerce. & Technology*. 12 Feb. 14, 2007.
- 27- Waleed Al-Majid, **Electronic Agents and Legal Personality: Time to Treat Them as Human Beings**, Annual conference at the University of Hertfordshire, UK, April 2007.
- 28- UNCITRAL Model Law on Electronic Commerce (UMLEC), 1996.
- 29- UNCITRAL Model Law on Electronic Commerce (UMLEC), 2001.
- 30- United Nations Convention on the Use of Electronic Communications in International Contracts (CUECIC), 2005.
- 31- Uniform Electronic Transactions Act (UETA).
- 32- Uniform Computer Information Transactions Act. (UCITA).
- 33- Uniform Commercial Code (UCC).
- 34- Principles of European Contract Law (PECL).